

فرهنگ لغات و اصطلاحات وقف

(بخش ششم)

سید جلیل محمدی^۱

پذیره - قبول. پسند || پذیره‌نویسی: نوشتن و امضا کردن سندی برای پذیرفتن کاری یا تعهد امری
(فرهنگ عمید) || نوشتن و امضا کردن در پای نوشته‌ای برای تعهد انجام کاری که در آن نوشته شرح داده شده است. (فرهنگستان زبان و ادب فارسی)

- میزان پذیره رقباتی که بدون سند اجاره در اختیار اشخاص است. (تبصره‌ی ذیل ماده‌ی یک آیین‌نامه نحوه و ترتیب وصول پذیره و اهدایی ۱۳۶۵)

پذیره - وجهی است که به‌هنگام ایجار اراضی موقوفه با اعطای حق تملک اعیان به مستأجر به‌عنوان پذیره ابتدایی و یا به‌هنگام انتقال رقبات به‌عنوان پذیره انتقالی، حسب‌مورد به‌نفع موقوفه با رعایت آیین‌نامه مربوطه دریافت خواهد شد. (اصطلاح وقفی)

پرسنل - (فرانسوی) شخصی. خصوصی || مجموع کارمندان یک اداره. مجموع کارمندانی که مشغول کاری باشند. کارگزینی. (فرهنگ عمید) || کارکنان یک وزارت‌خانه یا سازمان یا یک مؤسسه یا اداره. (مؤلف)
- سازمان (اوقاف) می‌تواند به‌منظور تأمین پرسنل ضروری... از کارکنان بازنشسته دولت استفاده نماید. (ماده‌ی ۵۷ آیین‌نامه اوقاف ۱۳۶۵)

پلاژ - (فرانسوی) ساحل دریا که مسطح و هموار باشد و مردم برای تفرج و آب‌تنی به آن‌جا روند. (فرهنگ عمید)

- در تداول عموم، ساختمان‌ها و اتاق‌هایی را که برای استفاده شخصی یا مسافران می‌سازند، پلاژ می‌گویند.

۱. دادستان بازنشسته سازمان ثبت اسناد و املاک کشور.

... به انضمام دو واحد ویلا و پلاژهای... واقع در شمال که پس از فروش آن‌ها درمانگاهی در محل... احداث نمایند. (از یک وقفنامه خودنوشت)

پلاک - ورقه یا لوح آهن یا برنج و مس و غیره، آن که روی آن نام کسان و شغل و امثال آن تَقَرُّ و بر در خانه یا روی اشیا نصب کنند. (لغتنامه دهخدا)

|| (ثبت) شماره‌ای که ادارات ثبت اسناد و املاک به زمین، باغ، خانه، مغازه و غیره می‌دهند. در آغاز تأسیس ثبت اسناد و املاک، شماره‌های تعیین شده برای املاک بر روی پلاک‌های برنجی بیضی شکل حک یا نوشته می‌شد و بالای در ورودی ساختمان‌ها نصب می‌گردید.

پیمان - یکی از مقیاسات آب. (فرهنگ معین)

- در اظهارنامه... اصطلاحات محل از قبیل جام و فنجان و پیمان و غیره را با دانگ و سهم تطبیق بنمایند. (ماده‌ی ۲۴ آیین‌نامه قانون ثبت)

پیمان - عهد. قرارداد. شرط. قول و قراری که کسی با کس دیگر بگذارد و بر طبق آن عمل کند. (فرهنگ عمید)

نـبایستی از اول عـهدبستن
چو در دل داشتن پیمان شکستن (سعدی)
|| پیمان از کلمه‌ی پهلوی پتمان است. معاهده. || میثاق. عقد. پیمان راه‌سازی و ساختمانی. پیمان آلت. پیمان دوستی. پیمان اقتصادی...

پیمایش - پیمودن || مساحت کردن. اندازه گرفتن. پیمایش گر: اندازه گیرنده. مساحت کننده. (فرهنگ عمید) || مساحی. مساحت کردن. (مؤلف)

پیوست - همراه. ضمیمه || پیوست پرونده. پیوست‌نامه. || یک جلد سند مالکیت موردوقف به پیوست ایفاد می‌گردد.

تابعیت - تابع بودن. پیرو بودن. پیروی کردن.

- تابعیت کشور ایران حق مسلم هر فرد ایرانی است و دولت نمی‌تواند از هیچ ایرانی سلب تابعیت کند، مگر به درخواست خود او یا در صورتی که به تابعیت کشور دیگری درآید. (اصل ۴۱ قانون اساسی)

تاریخ - معین کردن وقت چیزی. تعریف وقت. (فرهنگ عمید) || زمان کار یا عملی را تعیین کردن. نوشتن روز، ماه و سال روی نامه، سند، دفتر و مانند آن‌ها هنگام نگارش و تحریر آن. (مؤلف)

۱. کنده‌کاری (فرهنگ عمید) کندن. نوعی نگارش که با کندن و گودکردن چوب یا فلز انجام می‌شود. (مؤلف)
۲. پیمانی که خداوند یکتا برابر آیه‌ی شریفه‌ی ۱۷۲ سوره‌ی مبارکه‌ی اعراف (الَسُّ بُرْکُم؛ آیا من پروردگار شما نیستم؟) از آدم (ع) بر پرستش خود گرفت.

– مبدأ تاریخ رسمی کشور، هجرت پیامبر اسلام (صلی... علیه و آله و سلم) است و تاریخ هجری شمسی و هجری قمری هر دو معتبر است اما مبنای کار ادارات دولتی هجری شمسی است. (از اصل هفدهم قانون اساسی)

– در کلیه اسناد و دفاتر و قبوض باید تاریخ شمسی قید گردد. (ماده ۹ آیین نامه دفاتر اسناد رسمی مصوب سال ۱۳۱۷)

تاریخچه سازمان و قانون اوقاف – آغاز تشکیلات فعلی اوقاف در ایران به طور قطع پس از استقرار مشروطیت در ایران و وضع قانون تشکیلات در وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه است ولی از قرائن و شواهد تاریخی دیده می شود که شالوده‌ی تشکیلات اداری اوقاف از زمان صفویان آغاز شده است...

اداره اوقاف نیز به یکی از بزرگان که هم جنبه‌ی روحانی و هم جنبه‌ی اداری و دیوانی داشت، واگذار شده بود. متصدی این مقام صدرالصدور و وزیر اوقاف و مستوفی موقوفات خوانده می شد.

پس از انقلاب و استوارشدن مشروطیت، در ماده‌ی اول از فصل اول قانون تشکیلات وزارت معارف مصوب ۱۳۲۸ هـ.ق، ادارات وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه بدین ترتیب نام برده شده است:

۱ – دایره‌ی وزارت. ۲ – مدیرکل. ۳ – اداره‌ی تعلیم عمومی. ۴ – اداره‌ی معارف. ۵ – اداره‌ی اوقاف و... در ماده‌ی ۶ و ۷ از فصل دوم همان قانون وظایف اداره‌ی اوقاف و تحقیق بیان شده است.

مواد قانون اوقاف یادشده تا سال ۱۳۱۳ شمسی موردعمل بود. در تاریخ سوم دی ماه ۱۳۱۳ شمسی قانون دیگری مشتمل بر ده ماده و ۷ تبصره به تصویب مجلس شورای ملی رسید. بعد از انقلاب اسلامی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه در ۱۸ ماده و ۱۸ تبصره در تاریخ دوم دی ماه ۱۳۶۳ و اصلاحات بعدی آن در سال ۱۳۷۵ به تصویب رسید. ^۴ سیر قوانین و مقررات در رابطه با اوقاف بعد از انقلاب.

تاریخچه‌ی وقف – قبل از ظهور دین مبین اسلام، وقف و توجه به امور خیریه در میان مردم جهان و نیز اقوام ایرانی به نوعی مرسوم بوده است. ساختمان آتشکده‌ها، معابد، کنیسه‌ها و کلیساها گاه بر همین اساس بوده است.

می گویند: آتشکده‌ی معروف آذرگشسب موقوفات و نذورات زیادی داشته است.^۱ هنگام فتح شوش، در بقعه‌ی دانیال نبی (ع) سندی به دست آمده که به موجب آن، گنجی برای پرداخت وام‌های بدون بهره اختصاص یافته بود. خلیفه‌ی مسلمین دستور داد که گنج به دست آمده به بیت المال منتقل شود و برابر

۱. تاریخچه وقف در اسلام. ص. ۲.

دستور مندرج در آن سند عمل شود.^۱ مردم عراق و بین‌النهرین در تمدن بابل املاکی را برای خدایان و مقابر اختصاص می‌دادند تا درآمد آن‌ها به مصرف روشنایی معابد، تعمیرات و نوسازی و برگزاری مراسم مذهبی و خرج کاهنان و خادمان برسد.^۲ *(سیر مالکیت در ایران، صص. ۱۶۹ و ۱۷۰)* ← وقف از نظر اسلام

(خوانسار)

– به انضمام شش دانگ تاکستان محصور و مشجر... *(میراث ماندگار)*

تام – چیزی که اجزای آن کامل باشد. تمام. درست. ضد ناقص. *(نعت‌نامه دهخدا)*

|| اختیار تام: اختیار تمام و کلی. اختیار کامل، تام‌الاختیار: با اختیارات کامل. ← تام‌الاختیار.

تام‌الاختیار – آن که اختیار کامل در امری دارد. *(فرهنگ معین)* ← تام

|| وکالت تام‌الاختیار: وکالتی که شامل همه‌ی کارهای موکل باشد. || وکالت کلی و همه‌جانبه. ← وکالت تام‌الاختیار.

– شورای اسلامی شهر درخصوص انتقال زمین به هلال‌احمر، وکالت تام‌الاختیار دارند. *(آثار ماندگار، ص. ۴، ج. ۲)*

تأخیر – دیری و درنگ. توقف. دیرکردگی. دفع‌الوقت. *(نعت‌نامه دهخدا)*

– درصورت تأخیر در ایجاد درمانگاه خیریه‌ی... موضوع صلح منتفی است... *(سند صلح‌نامه قطعه زمینی به هلال‌احمر)*

تأدیه – ادا کردن. پرداختن پول یا وام یا بدهی: تأدیه اجاره‌بهای رقبه‌ی وقفی، تأدیه‌ی دین، تأدیه‌ی حقوق دیوانی.

... پس از تأدیه‌ی حقوق دیوانی، به مصرف موارد مندرج در وقف‌نامه برسد. *(آثار ماندگار، ج. ۲، ص. ۳۳۵)*

تبر تراشی – حقی که به صاحب زمین واقع در جنگل به‌واسطه‌ی قطع درختان و هموار کردن زمین تعلق می‌گیرد. *(مالک و زارع در ایران، لمبتون)* || در تداول به حق آب‌وگل، کارافه و چم نیز اطلاق می‌شود.

– حق تصرفی و تبر تراشی یک قطعه زمین... به‌طور رایگان مورد مصالحه قرار گرفت. *(میراث ماندگار، ج. اول، ص. ۳۲۰)*

تَبْرُع – عطا کردن بدون چشم‌داشت و عوض. || چیزی به‌کسی بخشیدن در راه خدا. || مالی یا کاری برای ثواب به کسی دادن یا کاری انجام‌دادن در راه خدا. *(فرهنگ عمید)*

تَبْرُعاً – از روی تبرع. از راه تبرع. به‌طور تبرع. *(نعت‌نامه دهخدا)* || از روی بخشش و بدون چشم‌داشت.

۱. ابوسعید احمد بن سلمان، مقدمه‌ای بر فرهنگ وقف، ص. ۱۱.

۲. شفیق شحاته، تاریخ قانون مصر قدیم، ص. ۹۰.

محض رضای خدا مالی را بخشیدن. کاری برای ثواب و در راه خدا بخشیدن. (مؤلف)

تثبیت العین - برقرار داشتن مال برای منظور خاص. چیزی را ثابت قرار دادن.

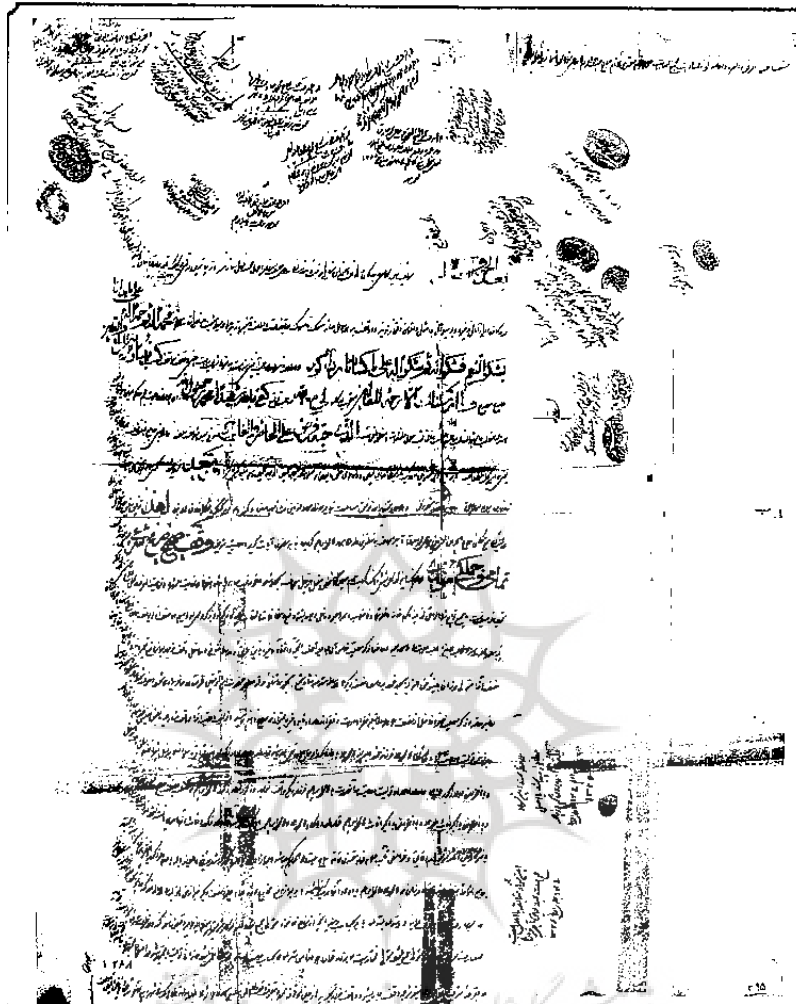
|| در اصطلاح وقف: تثبیت العین و تسبیل المنفعه، یعنی قراردادن عین (اصل) مال به عنوان وقف و مصرف درآمد و عواید آن در راه خیر.

- تثبیت العین و تسبیل المنفعه کلیه و تمامی رقباتی را که در فهرست ذیل الذکر شرح داده شده است... (از یک وقفنامه عادی)

تجاوز - تعدی. بیرون شدن از حد و حق و عدل. (نعتنامه دهخدا)

بیرون رفتن از حد و مرز و حق خود. تجاوز به جان، مال، ناموس و حریم اشخاص. تجاوز و تعدی به مال وقف.





وقفنامه محمدصادق تاجر (حاجی نطنزی) مورخ ۱۲۸۸ هـ.ق.
(به نقل از: دفتر سوم اسناد موقوفات اصفهان)